



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۲/۲۵

عبدالباری جهانی

سیستانی چه می نویسد؟

معذرت میخوام که بدون مقدمه وارد بحث میشوم. دیروز مضمون سیستانی به نام ارواح خبیثه بر ضد امان الله شاه را مرور نمودم. چون اتهامات بی مورد او متوجه اینجانب بود، مجبور شدم چند سطر را بنویسم ولو لاپایلات او ارزش جواب را هم ندارد. چون بنده یک رساله ای را، که مستند به آثار و اسناد دست اول بود، به نشر سپرده بودم؛ و سیستانی چون الحمدلله والمنه به لسان انگلیسی نمی فهمد و اگر میفهمید هم ذهن منجمد او عاجز از درک مضامین بود به هیچ متنی در رساله بنده نه اشاره نموده و نه توان آنرا دارد لهذا مجبور به نوشتن لاپایلات شده اند.

اکادیمسین !!! سیستانی، که شاید یگانه اکادیمسین یک زبانه در افغانستان باشد، موضوع خلقی بودن بنده را به میان کشیده. اگرچه باید مینوشتم که ده در کجا درخت ها در کجا؟ و باز مینویسند که بنده وقتی محصل بودم بر ضد ظاهر شاه شعارها میدادم. اکادیمسین!!!! سیستانی! اگر حزبی بودن، که از مهاجرت بنده به پاکستان بیش از چهل سال میگذرد، عیب باشد، تو در وقت داکتر نجیب الله عضو هیأت ریسه شورای انقلابی حزب وطن بودی. یا اکادیمسین ها معاف هستند هرچه دلشان بخواهد شده میتوانند؟؟ توجه خوانندگان و اکادیمسین!!!! بیسواد سیستانی را به یک پراگراف کتاب محترم فقیرمحمد ودان، عضو کمیته مرکزی حزب وطن جلب مینمایم:

« دانشمند افغانی کاندیدای اکادیمسین محمداظم سیستانی که خود در زمان ریاست شورای انقلابی ببرک کارمل عضو هیأت ریسه شورای انقلابی جمهوری افغانستان بود و در این موقع از جمله همکاران نزدیک او (داکتر نجیب الله) در شورای انقلابی محسوب میشد در مورد بازگشت او (ببرک کارمل) از مسکو به کابل مینویسد « بازگشت مجدد ببرک کارمل به کابل به اساس پلان آن بخش از زهبری شوروی که کودتای سرنگونی گرباچف را سازمان داده بود صورت گرفته بود. این تبصره ها هنگامی نزدیک به باور شد که با انتشار خبر کودتای ضد گرباچف در مسکو یک هیأت عالی رتبه نظامی فردای آن وارد کابل شد..... اگر کودتای ضد گرباچف در مسکو به تحقق می پیوست بدون شبهه نجیب الله هم در کابل مواجه با سقوط بود و شاید که کارمل دوباره بر تخت قدرت تکیه میزد و

مشی آشتی ملی نجیب الله با مجاهدین بر تاق نسیان میافتاد. » فقیرمحمد ودان، دشنه های سرخ ص ص ۶۷-۶۸ سیستانی کوتاه فکر و منجمد مغز باید بفهمد که در وقتی که بر ضد ظاهر شاه شعارها داده میشد و بنده هم شاید در آن تظاهرات اشتراک ورزیده باشم محصل صنف اول یا دوم بودم. که سن و سال بنده از بیست یا بیست و یک تجاوز نمی نمود و الحال ۷۳ ساله هستم. و از کتاب هاییکه من در اخیر رساله آخرم به حیث مأخذ ذکر نموده ام هیچ یکی را مطالعه نه نموده بودم. اینجانب مانند تو کوتاه فکر و منجمد ذهن نیستم که در ظرف بیش از پنجاه سال در نظرم هیچ تغییری رخ ندهد و مانند تو، کوتاه فکر، مرغ من هر وقت یک لنگه باشد.

تو که تادیرزو عضو ارشد شورای انقلابی و ثناخوان ببرک بودی و بعداً، به تغییر قدرت و وزش باد به سوی مخالف، ثناخوان داکتر نجیب الله شدی و بعد از سقوط هر دو، مجاهد و امانیست شدی هیچ فرقی نمیکند و ما مردم که بیش از نیم قرن گذشته در شعار دادن ها اشتراک ورزیده ایم امروز، به استناد اسناد موثق، حق نظر دادن، در موضوعات تاریخی، نداریم. تو چه کاره باشی هستی که حق نظر دادن را از مردم سلب مینمایی و باز کسی را غلجی و کسی را پاکستانی میخوانی؟ اگر خودت حیثیت نداری؛ حیثیت نام اکادیمسینی را، اگرچه ارزش آنرا به هیچ وجه مستحق نمیشوی، حفظ کن. غلجی و درانی چیست؟ تو می فهمی که این الفاظ کودکانه، اگر چه به گفته تو کس بیاز هم پوست نمیکند، چه تأثیر سوء دارد. می فهمم که ذهن کوتاه و مغز منجمد تو متوجه این گفته من نمیشود. مگر امیردوست محمدخان، که من چندی پیش در دفاع از او یک کتاب مکمل مستند به اسناد معتبر، نگاشتم و، فعلاً در آرشیف افغان جرمن موجود است، او غلجی بود؟ چندی قبل که در دفاع اعلیحضرت نادرشاه، باز هم مستند به آثار دست اول، مضمون مفصل نگاشته بودم او غلجی بود؟ در دفاع از اصلاحات و وطن خواهی امیر عبدالرحمن خان، پدرکلان امیر امان الله خان، که مضمون مفصل نگاشته بودم و فعلاً هم در آرشیف موجود است او غلجی بود؟ تو می فهمی چه میگوی؟

گمان نکنم که لاپایلات و اتهامات بیجای تو ارزش جواب دادن را داشته باشد. حیف این وقت گرانبهای خود که در رد چتبات بیسوادانه تو ضایع نمودم. متوجه باش که بنده هیچ وقت پروای تو را ندارم و لله الحمد که از هیچ درک کم تو نیستم. برای امروز و فعلاً اگر کس بودی بس است.